■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اینترنتی: www.jjo.ir
■ www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌های اصفهان، اهواز، تبریز، ساری و همدان (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

دوشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۷ | ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۸۷ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Monday - 2018 Dec 31

حدیث روز: بحارالانوار

امام باقر(ع):
پشت سر برادران (دینی) خود دعا کن، که این کار روزی را به طرف تو سرازیر می‌کند.

پلک احساس: محمدعلی بهمنی

اینجا برای از تو نوشتن هوا کم است
دنیا برای از تو نوشتن مرا کم است

امروز در تاریخ:

- تظاهرات خونین مردم مشهد و دیگر شهرها در اعتراض به رژیم پهلوی (۱۳۵۷ش)
- تأسیس مجمع جهانی اهل بیت(ع) به دستور رهبر معظم انقلاب (۱۳۶۹ش)
- اختراع کبریت (۱۸۲۷م)
- زادروز آنتونی هاپکینز، بازیگر بریتانیایی برنده جایزه اسکار (۱۹۳۷)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۰۷ | غروب آفتاب: ۱۷/۰۱
اذان مغرب: ۱۷/۲۱ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۲
اذان صبح (فردا): ۵/۴۴ | طلوع خورشید (فردا): ۷/۱۴

پیش‌بینی آب و هوا سه‌شنبه

تهران	اهواز	ارومیه	ایلام	بجنورد	ساری	سمنان	کرمان
۲ / ۱۱	۱۱ / ۱۸	۵- / ۵	۱- / ۸	۲- / ۱۰	۴ / ۱۴	۱ / ۱۱	۲- / ۱۶

حکمت ۴۹: نهج‌البلاغه

از یورش بزرگوار هنگام گرسنگی و از تهاجم انسان پست هنگام سیری، بپرهیز.

راپورت‌های میرزا ادریس

درباب نانچیکو و زوال خاطرات

الیوم در اندرونی همایونی نزول اجلال کرده بودیم و حلوا ارده با نان سنگك خاشخاشی سق می‌زدیم که ناگهان خشایار از غرفه بغل داد زد اوه اوه. پدر سوخته را به حضور طلبیده استنطاق کردیم که چه شده. عارض شد: قربان گویا دیشب در شبکه منطقه آزاد کیش یك فیلمی پخش شده از جناب جکی چان که فوق‌النهایه بی‌تربیتی بوده و خاك برسری می‌باشد! فرمودیم: بده ببینیم!

عارض شد: شرم دارم تصدق! فرمودیم امر همایونی می‌کنیم، نشانمان داد، یك لنگه دمپایی را برداشته بر فرقش کوبیدیم.

عارض شد: چرا می‌زنید؟ فرمودیم تو غلط می‌کنی از این فیلم‌های بی‌ناموسی توی ماسماسك همراهت داری. پس کله خاراند که تقصیر من نبوده. فی‌الفور یك قلم و کاغذ خواستیم نبشته بنگاریم بدهیم برسانند به دست جکی چان. این‌گونه نگاشتیم:

جناب آقای آکتور سینما جکی چان

چه سلامی چه علیکی. یعنی خاك ممالك محروسه بر سرت. بارها فیلمای جنابتان را دیدیم و بر غیرت و یکه بزن بهادر بودنتان غبطه خوردیم. هی در دل آرزو کردیم که ای‌کاش یك هنگ از لنگه جنابتان قشون داشتیم که قصد تصرف روس و عثمانی و بریطانی می‌کردیم. این چه کار بی‌ناموسی بود شما کردید؟ آن ماسماسکی که در فیلم‌هایتان اجانب استعمار را می‌زدید ناك‌اوت می‌کردید را عاشق بودیم، همان نانچیکو را می‌گوییم. پول گذاشتیم پرشال همین خشایار دیلاق برود بخرد از روی فیلم‌هایتان کار با آن را یاد گرفته و جلوی آینه چه تمرین‌ها که نکردیم و چه تکنیك‌ها که نزدیم. الحق والانصاف که از چشممان ساقط شدید. نمی‌بخشمتان، حلالتان نمی‌کنم. امیدوارم هرچه سریع‌تر به تیرغیب گرفتار آیید که با خاطرات ما چه کردید، رجا واثق دارم به محض خواندن این تعلیقه رفیعه استغفار نموده کاغذ بفرستید و بگویید آن سکانس خاك بر سری را بدلتان بازی کرده. خاطرات رعیت را به سخره نگیرید جناب آکتور سینما... مرسی عه... باقی بقایمان... بای اند بلاك.

اسفناج بخورید لاغر شوید

متخصصان تغذیه و سلامت در دانشگاه لوند سوئد با انجام آزمایش‌هایی روی چند نوع از سبزیجات و سپس تمرکز بر یکی که به گفته آنها بیش از انواع دیگر در این آزمایش‌ها خاصیت کنترلی در اشتها و در نتیجه اثرات بهتر بر کاهش وزن داشت، از اسفناج به عنوان کاهنده مؤثر وزن یاد کردند.

به گزارش ایلنا، متخصصان دانشگاه لوند در سوئد دریافتند عصاره اسفناج حاوی ترکیبی موسوم به «تیلاکوئید» است که تا ۴۳ درصد شانس کاهش وزن را افزایش می‌دهد. میل شدید به خوردن موادغذایی، افراد را ترغیب می‌کند تا به مصرف مواد خوراکی ناسالم همچون فست‌فودها و غذاهای شیرین روی آورند. در این مطالعه آمده است وجود ترکیب تیلاکوئید در اسفناج، بدن را به ترشح هورمون سیری وادار می‌سازد و احساس گرسنگی را از بین می‌برد و در نتیجه فرد بهتر می‌تواند اشتهای خود را کنترل کند، عادات غذایی سالم‌تری داشته باشد و وزن بیشتری از دست بدهد.

پروفسور شارلوت ارلانسون - آلبرتسون یکی از متخصصان این مطالعه گفت: تحلیل‌های ما نشان می‌دهد نوشیدن عصاره اسفناج پیش از صبحانه میل شدید به غذا خوردن را از بین می‌برد و موجب می‌شود فرد در تمام روز ولع در خوردن نداشته باشد.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با مرتضی شایسته، تهیه‌کننده فیلم «مادر» به مناسبت سالروز درگذشت زنده یاد رقیه چهره آزاد

مـــــرگ گاهی ریحان می‌چیند

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

نه خاطره بازم نه به گذشته تعلق خاطر خاصی دارم و نه دوست دارم در تله نوستالژی بازی بیفتم. گاهی بهتر است، گذشته را به حال خود رها کنی تا شاید بتوانی آینده بهتری بسازی. این مقدمه را نوشتم تا بدون تعصب بنویسم کم کم باید باور کنیم دوره طلایی بازیگران، کارگردانان و فیلمنامه‌های درخشان سینما تمام شده، نه فقط در ایران بلکه در همه دنیا، حتی کشورهایی که سینما را باب کردند و هنر هفتم خطابش کردند.

دوره طلایی سینمای ایران بعد از پیروزی انقلاب، شاید همان سال‌هایی بود که فیلمی مانند «مادر» ساخته شد و در آن زنده یاد رقیه چهره آزاد نقش مادر را بازی کرد. الان دیگر بعد از ۲۹ سال که از ساخت این فیلم می‌گذرد، می‌توان گفت رقیه چهره‌آزاد اولین و آخرین مادر سینمای ایران است. مادری که ذات و درون همه مادران دنیا را به نمایش گذاشت. مادری سرشار از عاطفه که همه فرزندان خود را دوست دارد، حتی اگر اخلاق خوبی نداشته باشند و مرامشان آنی نباشد که مادر می‌پسندد. مادری که زنده یاد علی حاتمی آن را به سینمای ایران تقدیم کرد، همه فرزندان خود را دورهم و مهربان با هم می‌خواست. مهم این بود که آنها با هر اخلاق، شغل، مرام و... کنار هم باشند و خانواده را حفظ کنند. مادری که در آستانه مرگ از سرای سالمندان به خانه‌اش برمی‌گردد اما از هیچ کس گلایه‌ای ندارد، حتی فرزند ناتنی خود را دعوت می‌کند، آرام و بی‌دغدغه وصیت می‌کند، صبور و مهربان لپه‌های خورشت عزایش را پاک می‌کند به فرشته مرگ سلام می‌گوید و لبخند زنان از این دنیا به سرای باقی می‌رود و ما را مبهوت بر جای می‌گذارد و فقط آنقدر مهلت پیدا می‌کنیم که بگوییم: مادر جان ندارد بس که مُرد!

۲۴ سال قبل در چنین روزی رقیه چهره آزاد از دنیا رفت و همه را مبهوت کرد؛ سینمای ایران بی مادر شد! از روزی که فیلم مادر اکران شد تا همین حالا هر کس مادرش را از دست می‌دهد، زیر لب زمزمه می‌کند، مادر جان ندارد... رقیه چهره آزاد روز دهم دی سال ۷۳ دیگر جان نداشت و همه آنهایی که فیلم مادر را دیده بودند، سکانس درخشان مرگ مادر در فیلم علی حاتمی را در ذهن مرور می‌کردند؛ مرگی چنین زیبا شاید که آرزوی همه ما باشد.

به مناسبت سالروز درگذشت زنده یاد رقیه چهره آزاد با مرتضی شایسته، تهیه کننده فیلم مادر هم‌صحبت شدم تا از ساخت این فیلم و چگونگی انتخاب چهره‌آزاد برای این فیلم بگوید. شایسته می‌گوید: آقای حاتمی فیلمنامه مادر را نوشته و به چند تهیه‌کننده هم داده بود اما به سرانجام نرسیده بود تا این‌که فیلمنامه را به هدایت فیلم آورد و تصمیم گرفتیم مادر را بسازیم. نقش اصلی نقش مادر و انتخاب بازیگر سخت بود. باید بازیگری را پیدا می‌کردیم که چهره سنتی و ایرانی داشته باشد. آقای حاتمی تاکید داشت که مادر نماد «مام وطن» است. فرزندان او هر کدام نماینده یک طرز فکر و یک گروه از جامعه بودند. آقای حاتمی چند تا از بازیگران از جمله آقای کشاورز را انتخاب کرده بود اما چیدمان بازیگران در هدایت فیلم کامل شد. نقش خانم اکرم محمدی را قرار بود خانم معتمدآریا بازی کند که به نتیجه نرسیدیم. مرحوم چهره آزاد از میان گزینه‌های زیادی انتخاب شد. مدت‌ها بود مقابل دوربین نرفته بود. خانم چهره آزاد از دهه بیست در تئاتر حضور داشت و بسیار کاربلد و حرفه‌ای بود. آقای حاتمی برای مادر، چهره‌ای مضطرب و نگران در نظر داشت که نشان دهد نگران فرزندانش است. اما پیدا کردن بازیگری که هم چهره سنتی داشته باشد و هم نگرانی در آن بروز کند، سخت بود. اما انتخاب خانم چهره آزاد، برگ برنده فیلم مادر بود که توانست این فیلم را به اثری جاودانه تبدیل کند.

رقیه چهره‌آزاد در سریال هزاردستان نیز در چند سکانس مقابل دوربین زنده یاد علی حاتمی رفته بود و با چگونگی کار این کارگردان آشنا بود و علی حاتمی هم با شناختی که از دنیای تئاتر داشت دقیقا با جنس بازی چهره‌آزاد آشنا بود. همین شناخت باعث شد فیلم مادر به اثری بی‌مانند تبدیل شود. شایسته درباره چگونگی حضور مرحوم چهره‌آزاد مقابل دوربین مادر با توجه به سن و سال بالایی که داشت، می‌گوید: خانم چهره‌آزاد بالای هشتاد سال داشت که نقش مادر را بازی کرد اما بسیار با انرژی بود، نشست و برخاست و حرکت برایش سخت بود اما شوقش آنقدر زیاد بود که طبق برنامه‌ریزی سر صحنه می‌آمد و عالی بازی می‌کرد.

تهیه‌کننده فیلم مادر درباره سکانس درگذشت مادر می‌گوید: یکی از ویژگی‌های کار آقای حاتمی که آثارش را منحصر بفرد می‌کرد، خلق فضای مناسب بود. فضایی که ایشان در خانه و اتاق مادر طراحی کرد به انتقال حس‌های متفاوت این فیلم بسیار کمک کرد. طراح صحنه فیلم آقای حاتمی بود و نورپردازی آقای کلاری بسیار به انتقال حس درگذشت مادر کمک کرد. همه بازیگران فیلم در این سکانس حضور داشتند و همه آنها درک درستی از لحظه مرگ مادر داشتند. همه عوامل و فضای فیلم آنقدر حساب شده و درست بود که سکانس درگذشت مادر به یکی از بی‌بدیل‌ترین سکانس‌های سینمای ایران تبدیل شد.

شایسته به این نکته هم اشاره می‌کند که بنیاد سینمایی فارابی چندان موافق ساخت فیلم نبود و حمایتی هم از فیلم نکرد اما زمانی که مادر ساخته و اکران شد، به آن لقب یکی از آثار بی‌مانند از نظر محتوا دادند. برخی از دیالوگ‌های فیلم هم البته حذف و سانسور شد. حذفی که به نظرم اصلا لزومی نداشت اما آن زمان وزارت ارشاد گفت آنها را حذف کنیم!

مقطع حساس کنونی

ماجرای گفت‌وگوی آبدار ابلیس و فرعون

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

روزی فرعون پس از آن‌که ادعای خدایی عصرگاهی خود را انجام داد و اطرافیان بر او سجده کردند و او خوشش آمد به اندرونی آمد تا استراحت کند و برای ادعای خدایی شامگاهی آماده گردد. خدمتکاران برای او یك سینی میوه آوردند و نفری سه‌بار سجده کردند و رفتند.

فرعون یك خوشه انگور از سینی میوه برداشت تا آن را بخورد. در این هنگام ابلیس در هیات جوانی زیبا بر او ظاهر شد. فرعون گفت: «کیستی؟»

ابلیس گفت: «من ابلیسم که در هیات جوانی زیبا بر تو ظاهر گشته‌ام.»

فرعون گفت: «وقتی قرار است خودت را معرفی کنی، دیگر چرا پوشش و استتار کرده‌ای؟» ابلیس گفت: «حالا آن را ولش کن. امروز اعصاب معصاب ندارم. بگو به نظرت کسی می‌تواند این خوشه انگور را تبدیل به یك خوشه مروارید کند؟»

فرعون گفت: «بعید می‌دانم.»

ابلیس چوب سحر خود را بیرون آورد و به ته انگور زد و آن را به یك خوشه مروارید تبدیل کرد.

فرعون گفت: «واهاهای، دمت گرم استاد!»

سپس افزود: «بگذار بگویم بقیه انگورها را بیاورند تا آنها را هم به مروارید تبدیل کنی و پولدارتر شویم.»

ابلیس که از این پاسخ جا خورده بود، برخاست و با لگد به صورت فرعون کوبید و گفت: «مردك کاسب. من به نزد تو آمدم تا بگویم مرا با این‌همه استادی به بندگی قبول نکردند، آن وقت تو فلان فلان شده دعوی خدایی می‌کنی، بعد تو می‌خواهی با من هم کاسبی کنی؟»

فرعون که دردش آمده بود، گفت: «حالا چرا می‌زنی؟»

ابلیس گفت: «حقش بود آویزانت می‌کردم.»

سپس یك پس‌گردنی محکم به او زد و در سینی میوه‌های فرعون نیز تف کرد و از کادر خارج شد.

دایناسورهای معتاد

دانشمندان بر این باورند که دایناسورها مواد مخدر مصرف می‌کردند. تحقیقات جدید نشان داده دایناسورها از نوعی قارچ تغذیه می‌کردند که این نوع قارچ امروزه در تولید مواد مخدر استفاده می‌شود. ریشه این کشف عجیب، یك فسیل کوچك است که به صد میلیون سال پیش بازمی‌گردد.

به گزارش تابناك، دانشمندان نمونه‌ای از قارچ‌های توهم‌زا و هذیان‌آور را در سنگ‌های کهربا کشف کرده‌اند. این قارچ‌های مخدر صد میلیون سال پیش یعنی در زمانی که دایناسورهای گیاهخوار عظیم الجثه روی زمین زندگی می‌کردند، در میان علف‌هایی که دایناسورهایی همچون دیپلودوکس و استگوسور می‌خورده‌اند، وجود داشته است. آزمایش روی نمونه یافت شده نشان می‌دهد، قارچ یاد شده تا حد زیادی به قارچ (ارگوت) شباهت دارد.

ارگوت یك نوع قارچ انگلی است که از آن در تولید دارویی در دسته روان گردان‌ها استفاده می‌شود؛ اسید لایزرژیك دی ایتل امید «ال اس دی» که در بسیاری از کشورهای جهان ممنوع است.

تنها در قطب

یك افسر ارتش بریتانیا سرتاسر قطب جنوب را به‌تنهایی طی کرد. به گزارش فرادید، کاپیتان لو رود ۴۹ ساله مسافتی بالغ بر ۹۲۵ مایل را در ۵۶ روز طی کرد. او در حالی این کار سخت و طاقت فرسا را به‌تنهایی انجام داد که سورتمه‌ای با ۱۴۰ کیلوگرم وزن به همراه داشت.

دمای ۳۰- درجه‌ای هوا و وزش بادهایی با سرعت ۶۰ مایل در ساعت هم نتوانست این مرد بریتانیایی را از هدفی که قصد رسیدن به آن داشت بازدارد. او در این سفر کیسه‌ای حاوی شکلات، آجیل، پنیر و فرآورده گوشتی سالامی به همراه داشت و از آنها تغذیه می‌کرد.

ایران در قاب توریست‌های اندونزی

آملیا، گردشگر اندونزیایی با انتشار خاطرات دو سفرش به ایران با فاصله شش سال تحت عنوان «۲۴ ساعت در تهران» نوشت: دو بار به فاصله شش سال به ایران سفر کردم. دومین سفرم به ایران به همراه همسرم اتفاق افتاد و روزهای بسیار دلپذیری را با یکدیگر در ایران تجربه کردیم. به گزارش خبرآنلاین، وی که تاکنون به شش کشور سفر کرده، نوشته: تعطیلات ویژه سال نوی میلادی فرصت مناسبی برای حضور گردشگران جنوب شرق آسیا در ایران است و اگر این سفر با کمی خوش شانسی با ریزش برف نیز در این کشور همراه باشد، خاطرات به یادماندنی برای گردشگران این منطقه که تقریبا در زندگی خود برف را تجربه نکرده‌اند، رقم خواهد خورد. این گردشگر خارجی در ادامه نوشته: شاید سفر دوم به یك کشور با اشتیاق کمتری همراه شود اما من در سفر دومی که با همسرم به ایران داشتم باز هم به اشتیاق وصف ناپذیری در ایران رسیدم که کمتر گردشگر خارجی با سفر به کشورهای دیگر آن را تجربه خواهد کرد. مردم تغییر می‌کنند و ایرانی‌ها نیز از این موضوع مستثنا نیستند اما در دو سفری که به ایران داشتم متوجه شدم رفتارهای ویژه ایرانی‌ها مانند مهمان‌نوازی آنها تغییرناپذیر است. این خصلت غریب، «تعارف» ایرانی‌هاست که گردشگران خارجی را گیج می‌کند.

عکس: مهر

حماسه ۹ دی ۹۷ / میدان امام حسین (ع) - تهران